



ISSN:2588-7033



An Analysis of the Safavid and Ottoman Wars in the Van Region

Mohsen Bahramnejad^{a*}

^a Associated Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Imam Khomeini International University (IKIU), Qazvin, Iran

KEY WORDS

Iran, Van, Eastern
Anatolia, Safavid,
Ottoman

Received: 24 February 2022;

Accepted: 20 June 2022

Article type: Research Paper

DOR: 20.1001.1.25887033.1401.6.3.2.8

ABSTRACT

One of the constant challenges of the upper reaches of the Euphrates River and western Greater Armenia throughout history has been the existence of military tensions between neighboring political powers over how to gain control of the Van strategic region. These challenges entered a new phase during the Safavid and Ottoman rule, and religious and political disputes between them created another confrontation in that area, which continued with ups and downs during the years 907-1049 AH. The present descriptive and analytical study, using historical sources, seeks to illuminate the question of the policy and goals pursued by the abovementioned powers in the Van region, which led to the emergence of long military conflicts between them. Research findings show that different motives have historically, politically, militarily, religiously, ethnically, and economically contributed to the ongoing conflict between the two governments. The Safavids, relying on religion, military power, and diplomacy, however, were not able to defend Van and the surrounding cities against their powerful rival, the Ottomans. As a result, they were finally forced to accept defeat on the basis of a formal agreement with the Ottomans and agree to Van's permanent separation from the historical territory of Iran.

* Corresponding author.

E-mail address: bahramnejad1345@yahoo.com

2022 Published by Arak University Press. All rights reserved.





تحلیلی بر جنگ‌های صفوی و عثمانی در منطقه وان

محسن بهرام‌نژاد^{الف*}^{الف} دانشیار تاریخ، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

واژگان کلیدی	چکیده
ایران، وان، آناتولی شرقی، صفوی، عثمانی	یکی از چالش‌های دائمی بخش علیایی رود فرات و غرب ارمنستان بزرگ در طول تاریخ وجود تنش‌های نظامی میان قدرت‌های سیاسی مجاور آن بر سر چگونگی تسلط یافتن بر منطقه سوق‌الجیشی وان بوده است. این چالش‌ها در دوران حکومت صفوی و عثمانی وارد مرحله جدیدی شد و اختلافات مذهبی و سیاسی میان آنها زمینه رویارویی دیگری را در آن منطقه بوجود آورد که با فراز و نشیب طی سال‌های ۱۰۴۹-۹۰۷ ق ادامه یافت. پژوهش حاضر با تکیه بر روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از منابع تاریخی به دنبال تبیین این پرسش است که آنها چه سیاست و اهدافی را در منطقه وان دنبال می‌کردند که سبب پیدایش کشمکش‌های نظامی طولانی میان آن دو قدرت گردید؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که انگیزه‌های مختلفی به لحاظ تاریخی، سیاسی، نظامی، مذهبی، قومی و اقتصادی در درگیری دائمی میان آنها نقش داشته است؛ اما صفویان نه با تکیه بر مذهب و نه قدرت نظامی و نه دیپلماسی، توانایی حفظ و حراست از وان و شهرهای اطراف آن در برابر رقیب نیرومند خود یعنی عثمانی‌ها را نداشتند، بنابراین در نهایت مجبور شدند تا بر پایه یک توافق رسمی با عثمانی تن به قبول شکست داده و با جدایی دائمی وان از قلمرو تاریخی ایران موافقت کنند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۵	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۳۰	

مقدمه

منطقه وان به‌عنوان یک ناحیه سرحدی در غرب ایران با دو نشانه طبیعی بخش علیایی رود فرات و دریاچه، همواره در ادوار مختلف نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دادن به رویدادهای تاریخی داشته است. کشمکش میان قدرت‌های سیاسی‌ای که در جهات شرقی و غربی آن واقع شده بودند برای تسلط بر این منطقه که دسترسی به حوزه قفقاز، ایران و آناتولی را آسان می‌کرد پدیده‌ای رایج از دوران باستان تا عصر اسلامی بوده است. با این تفاوت که تا سده دهم هجری مذهب چندان نقشی در وقوع این نوع تنش‌های سیاسی و نظامی نداشت، در حالی که با پیروزی جنبش سیاسی-مذهبی صفویان (۱۱۳۵-۹۰۷ ق) در ایران و حمایت سلاطین عثمانی (۱۳۴۲-۶۹۸ ق) از مذهب سنت در قلمرو امپراتوری خود، وقوع اختلافات و درگیری‌های نظامی در سرحدات مشترک آنان در غرب را اجتناب‌ناپذیر ساخت. همین مسئله منطقه وان را در طول تقریباً یک‌ونیم قرن به یکی از مهم‌ترین کانون‌های پراشوب نظامی در غرب ایران تبدیل کرد. عثمانی‌ها پیش از ظهور صفویه درک روشنی از موقعیت جغرافیایی وان و اهمیت آن در تعاملات منطقه‌ای نداشتند و اساساً بواسطه ناسازگاری‌های سیاسی میان آنها و ساکنان ترک آناتولی پیشروی و اعمال حاکمیت آنان را در آغاز با چالش‌های بسیاری همراه ساخته بود. همین امر سبب شده بود تا ترکان آناتولی به لحاظ فکری و مذهبی بیشتر مجذوب طریقت صفویه در اردبیل شوند و با گسترش و نفوذ تدریجی آن طریقت در میان آن‌ها به مقاومت و مخالفت خود در برابر عثمانی‌ها رنگ

* نویسنده مسئول

مذهبی زده و آناتولی محور بسیاری از جنبش ترکان در پوشش قزلباشی و جلالی و بابایی شد؛ اما صفویان شناخت بیشتری از منطقه وان داشتند. آنها بعد از سقوط آق‌قویونلوها مدعی استمرار حقوق و حاکمیت جدید سیاسی خود بر شرق آناتولی بودند و از همان آغاز پیرویشان نیز کوشیدند تا از دژ وان در آن حدود به‌عنوان پایگاهی مستحکم در حفظ سرحدات و نیز هدایت تبلیغات مذهبی و جذب و حمایت از مریدان خود استفاده کنند. دغدغه اصلی پژوهش حاضر این است که دولت صفوی و عثمانی چه سیاست و اهدافی را در منطقه وان دنبال می‌کردند که سبب پیدایش کشمکش‌های نظامی طولانی میان آن دو گردید؟ فرض پژوهش بر این است که تضاد دو قدرت در مبانی فکری و سیاسی سبب شد تا هرکدام تحت تأثیر سیاست و اهداف مختلفی به تسلط بر آن منطقه بیندیشند؛ آنها جنگ و سیاست را ابزار این راه قرار داده تا موقعیت خود را در آن ناحیه مستحکم سازند. برای آزمودن این فرض تلاش شد تا با استفاده از منابع و مدارک تاریخی و به روش تشریح و تبیین، تصویر دقیقی از فرایند تاریخی برخورد‌های نظامی دو قدرت در وان ارائه شود تا به فهم این مهم کمک کند. پیشینه تحقیق نیز نشان می‌دهد که در زبان فارسی در راستای هدف مذکور مقاله پژوهشی مستقلی تولید نشده است و پژوهش‌هایی که بر محور روابط ایران و عثمانی در زمان صفوی، در قالب کتاب و یا مقاله منتشر شده مسئله وان در حاشیه آن قرار گرفته‌اند. مقاله حاضر شاید بتواند تا اندازه‌ای این کاستی را برطرف سازد.

موقعیت جغرافیایی - تاریخی وان

منطقه وان که امروزه در بخش شرقی ترکیه واقع شده یک سرزمین کوهستانی است که شمال و غرب آن را دریاچه احاطه کرده و در سواحل آن شهرهایی چون اخلاط در غرب، ارجیش در شمال، بارگیری (بارکری) در شرق اخلاط، وان در شرق، وسطان در جنوب و بتلیس در جنوب غربی دریاچه واقع شده‌اند (لسترنج، ۱۳۶۴: ۱۹۷-۱۹۸). وان مهم‌ترین شهر تاریخی آن منطقه است و در طول تاریخ دریاچه مذکور به همان نام شهرت داشته است. اهمیت موقعیت جغرافیایی-نظامی منطقه وان که امکان دسترسی و تسلط بر سرزمین‌های قفقاز، آناتولی، شمال بین‌النهرین و غرب فلات ایران را فراهم می‌آورد سبب شد تا آن ناحیه به میدانی برای رقابت‌های سیاسی میان حکومت‌های دوران باستان تبدیل شود. بعد از فروپاشی حکومت اورارتویی در ارمنستان، وان به تصرف هخامنشیان (۵۵۰-۳۳۰ پیش از میلاد) درآمد، و در کتیبه بیستون نیز به عنوان بخشی از ارمنستان (ارمنیا) از ممالک تابعه دولت هخامنشی نام برده شده (پیرنیا، ۱۳۷۵: ۱۷۲/۱، ۳۷۷) و تا سقوط ساسانیان (۶۵۱-۲۲۴ م) آن ناحیه قرن‌ها در تصرف و قلمرو ایران قرار داشت.

جغرافی‌نگاران دوران اسلامی به اتفاق منطقه وان را بخشی از ارمنستان بزرگ نام برده‌اند (یعقوبی، ۲۵۳۶: ۱۳۰؛ اصطخری، ۲۰۰۴: ۱۸۲-۱۸۱؛ حموی، ۱۳۸۳: ۲۰۱/۱؛ قزوینی، ۱۳۷۳: ۵۷۴). این منطقه در سال ۲۴ ق توسط حبیب‌بن مسلمة فهری فتح شد (بلاذری، ۱۳۳۷: ۲۸۴-۲۸۳) و از آن‌پس تا سده پنجم هجری در آن نواحی جنگ‌های متعددی میان فرماندهان عرب با دودمان باگراتی - که از قرن دوم هجری قدرت را در ارمنستان بدست گرفته و گاه نیز از حمایت امپراتوران بیزانس (۱۴۵۳-۳۹۵ م) برخوردار بودند- بوقوع پیوست. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که در مدت آن پنج قرن، منطقه وان و شهرهای اطراف آن که بخشی از ارمنستان بزرگ محسوب می‌شدند تحت حاکمیت والیانی قرار می‌گرفت که از سوی خلفای اسلامی بویژه عباسیان (۶۵۶-۱۳۲ ق) به حکومت آذربایجان و ازان منصوب می‌شدند (رضا، ۱۳۷۷: ۶۹۱/۷). پس‌از آن با آغاز حکومت سلجوقی (۵۹۰-۴۲۹ ق) در ایران، آذربایجان پایگاه حملات آنان به آناتولی تبدیل شد و طغرل (۴۵۵-۴۳۱ ق) در سال ۴۴۶ ق موفق شد قارص، وان و اخلاط را متصرف شود. آلپ ارسلان (۴۶۵-۴۵۵ ق) با شکست امپراتور روم در ملازگرد (۴۶۴ ق) عملاً سرتاسر آناتولی شرقی تا جنوب

غربی آن را به قلمرو سیاسی خود ضمیمه کرد (ظهیری نیشابوری، ۱۳۳۲: ۲۷-۲۴؛ بنداری، ۱۳۵۶: ۵۱-۴۶) و تنها دو سه دهه بعد از مرگ او و ملک‌شاه (۴۸۵-۴۶۵ ق) در سال ۴۸۵ ق آن ناحیه میان امیرنشینان متعدد ترک تقسیم شد، و امیر ساکاراوغلو و امیر ناصرالدین سکمان نخستین امیران ترکی هستند که به حکومت منطقه وان منصوب شدند (راوندی، ۱۳۶۴: ۲۹۹).

ناحیه وان در اوایل سده هفتم هجری مدت کوتاهی به تصرف صلاح‌الدین ایوبی (۵۸۹-۵۶۹ ق) درآمد، و بعد از حملات مغول به ایران جلال‌الدین خوارزمشاهی (۶۲۸-۶۱۷ ق) در سال‌های ۶۲۸-۶۲۲ ق به ارمنستان لشکر کشید و تا وان و اخلاط پیش رفت، اما هیچ‌کدام از این تلاش‌ها به نتایج مهمی تا پایان حیاتش منتهی نشد (نسوی، ۱۳۴۴: ۱۵۱-۱۴۵). مغولان نیز در تعقیب جلال‌الدین به ارمنستان و آناتولی شرقی راه یافته و در جنگ‌های متعدد شهرهای مختلف آن نواحی، مانند قارص، وان و اخلاط را تخریب و امیران آن را به تابعیت خود درآوردند. مناطق مذکور در عهد ایلخانی (۷۳۶-۶۵۴ ق) بخشی از حاکمیت آنها بشمار می‌آمد، اما علاء‌الدین کیقباد (۶۳۴-۶۱۷ ق) از سلاطین سلجوقی روم (۷۰۷-۴۶۹ ق) که برای توسعه قدرت سیاسی اش در سمت شرق آناتولی تلاش می‌کرد گاه در شرایط ضعف سیاسی ایلخانان بیشتر شهرهای ارمنستان بزرگ را به اطاعت از خود وادار می‌کرد (رضا، ۱۳۷۷: ۶۹۳/۷). با وجود این، نفوذ سیاسی ایلخانان بر آناتولی شرقی با مرکزیت وان و اخلاط تا سقوط آن حکومت حفظ شد، و پس از آن نیز ترکمانان قراقویونلو (۸۷۲-۸۱۰ ق) که در اطراف دریاچه وان، سنجان، موش و موصل سکونت داشتند حکومت بر آن نواحی را بدست گرفته و قرامحمد (متوفی ۷۹۱ ق)، بزرگ آن طایفه با جلب حمایت سلطان اویس (۷۷۶-۷۵۷ ق) و سلطان احمد جلایری (۸۱۳-۷۸۴ ق) موفق شد حکومتش را بر آن منطقه مستحکم سازد؛ اما با آغاز حملات امیر تیمور (۸۰۷-۷۷۱ ق) به آذربایجان موقتاً حکومت آن طایفه بر منطقه وان متوقف گشت و تیمور، ملک‌عزالدین شیرگرد (متوفی ۸۲۸ ق) را به حکومت در آن ناحیه منصوب کرد. از سوی دیگر، قراعثمان (متوفی ۸۳۹ ق) از ترکمانان آق‌قویونلو (۹۰۸-۸۷۲ ق) نیز که بر دیار بکر حکومت می‌کرد به گسترش تصرفات خود در اطراف دریاچه وان می‌اندیشید. او هرچند که در این کار پیشرفتی نداشت اما فرزندش اوزون حسن (۸۸۲-۸۷۵ ق) در سال ۸۷۲ ق موفق شد با شکست جهان‌شاه (۸۷۲-۸۴۱ ق) از شرق آناتولی تا نواحی مرکزی ایران را متصرف شده و تاقیام شاه اسماعیل (۹۳۰-۹۰۷ ق) سراسر منطقه وان و دیگر نواحی ارمنستان بزرگ، بخش مهمی از قلمرو سیاسی آق‌قویونلوها را تشکیل می‌داد (ر.ک.: بهرام‌نژاد، ۱۳۸۴؛ پاسدرماجیان، ۱۳۶۶: ۲۸۹).

اشارات فوق نشان می‌دهد که نظام‌های سیاسی‌ای که در اطراف ارمنستان بزرگ در طول تاریخ وجود داشته‌اند همواره به بخش‌های جنوبی آن ناحیه که شامل سرزمین‌های ساحلی اطراف دریاچه وان می‌شد به چشم یک منطقه سوق‌الجیشی می‌اندیشیدند و همین موضوع سبب شد تا رقابت برای تسلط بر آن ناحیه میان فرمانروایان حوزه قفقاز، آسیای صغیر، بین‌النهرین و فلات ایران به یک امر مستمر تبدیل شود و آنچه آشکار است برتری حکومت‌های مستقر در فلات ایران در این کشاکش نظامی است.

صفویه و منطقه وان: سیاست و اهداف

تکاپوهای همه‌جانبه صفویان برای گسترش و تثبیت حاکمیت در درون مرزهای تاریخی ایران که از جیحون تا فرات گسترده بود یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های تاریخی دولت صفوی در سده‌های دهم تا دوازدهم هجری بشمار می‌رود. در این رهگذر هرچند که در میان تصادمات نظامی بخش‌هایی از آن به تصرف همسایگان بویژه عثمانی‌ها درآمد و یا بواسطه قراردادهای رسمی مرزهای

تاریخی ایران تغییر یافت، با وجود این هیچ‌گاه از اهمیت ایران‌زمین با مرزهای مورد اشاره در باور صفویان کاسته نشد و به تعبیر شاردن «جغرافی دانان ایران همچنان سرزمین‌های از دست داده شده را جزو ایران می‌شمارند و بر این اعتقادند هیچ عاملی نمی‌تواند به‌طور دائم آنها را از ایران جدا بکند» (شاردن، ۱۳۷۲: ۶۸۵/۲).

ادعا و اهتمام صفویان در حفظ حدود ایران که در شمال غرب آن ارمنستان بزرگ واقع شده بود و سرزمین‌های ساحلی دریای چاه وان بخشی از آن شناخته می‌شد تنها می‌تواند در درون یک نگرش راهبردی تجزیه و تحلیل شود. بر این اساس در منابع صفوی نسبتاً شواهد متعددی را می‌توان یافت که بر نسبت میان دولت صفوی و ایران که در اقلیم سوم و چهارم واقع بود و نقطه میانی آن اقلیم هفتگانه به نام دل ایرانشهر مشهور بود و ارمنستان بزرگ نیز بخشی از اقلیم چهارم به حساب می‌آمد، تأکید شده است (ر.ک.: شیرازی، ۱۳۶۹: ۱۲۱؛ عالم‌آرای صفوی، ۱۳۶۳: ۳، ۱۰۹). شاید تلاش بیرجندی (متوفی ۹۳۴ ق) در سال ۹۲۹ ق در بازخوانی اقلیم هفتگانه و اصلاح نواقص گذشتگان «در مساحت سطح ارض و سطوح اقلیم» (بیرجندی، برگ ۲ الف) بی‌ارتباط با مدعیات شاه اسماعیل در خصوص حدود ایران‌زمین برای تعیین بخشیدن به مرزهای سیاسی و مذهبی آن نبوده است. مطابق یک سند جغرافیایی از قرن هشتم هجری ارمنستان کبیر با دارالملکی اخلاط جزئی از قلمرو ایران یاد شده (مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۵۳) و پس از گذشت تقریباً سه و نیم قرن با فقی همچنان بر همین موضوع تأکید دارد؛ هرچند که در زمان او (۱۰۹۱ ق) بخشی از آن ولایت که شامل شهرهای ساحلی و قلعه وان بود در تصرف عثمانی قرار داشت (مستوفی با فقی، ۱۳۹۰: ۱۷۳-۱۷۱).

در کنار آن سیاست، نمی‌توان اصل وراثت و تداوم حقوق سیاسی ترکمانان آق‌قویونلو در خاندان صفوی که با یکدیگر پیوند سببی داشتند در این بررسی نادیده گرفت. اگرچه تبلیغ گسترده سیادت در سال‌های قیام و پیشرفت صفویان به نوعی موضوع پیوندهای خانوادگی آنان با آق‌قویونلوها را تحت الشعاع قرار داد و هیچ‌گاه آشکارا آن را برای اثبات حقانیت خود در قدرت سیاسی وسیله قرار ندادند، اما در هر حال حیدر (۸۹۳-۸۶۳ ق) ثمره ازدواج جنید (متوفی ۸۶۴ ق) با خدیجه خواهر اوزون حسن و اسماعیل نیز نتیجه ازدواج حیدر با حلیمه (مارتا) دختر قدرتمندترین امیر آق‌قویونلو یعنی اوزون حسن بود (هینتس، ۱۳۶۲: ۸۹-۸۸) و در کنار سیادت، مقام شاهزادگی بر اعتبار اجتماعی آنان می‌افزود. بی‌گمان تحرکات نظامی شاه اسماعیل در منطقه وان و دیاربکر، جایی که خاستگاه آق‌قویونلوها بشمار می‌آمد، پس از اعلام سلطنت در تبریز با انگیزه سرکوبی اکراد آن نواحی که در سال‌های پایانی حکومت آق‌قویونلو سر از اطاعت آنان پیچیده بودند باید تلاشی تازه برای احیای حاکمیت سیاسی از دست‌رفته موروثی بر آن منطقه تلقی کرد (ر.ک.: امینی هروی، ۱۳۸۳: ۲۸۶-۲۸۱).

پراکندگی مریدان طریقت صفوی در آناتولی و حفظ پیوند معنوی آنان با خاندان صفوی بویژه پس از تأسیس حکومت در ایران موضوع دیگری است که حضور صفویان در منطقه وان را ضروری می‌ساخت. ارتباط آذربایجان با آناتولی عموماً از دو راه وان و ارزروم انجام می‌گرفت (منشی، ۱۳۷۷: ۱۶۹۰/۳) از این رو، بدیهی به نظر می‌رسید که صفویان همواره در اندیشه تسلط دائمی بر آن نواحی باشند. ارزنجان، قرامان، البستان، تگه، قسطنیون و کیلیکیه در مرز با شام مهم‌ترین مناطق آناتولی بودند که خاستگاه اصلی قزلباشان استاجلو، قراملو، ذوالقدر، تکلو، بیات، چینی، ورساق، عربگیرلو، تورغودلو، بوزچلو، اجیرلو، خنپسلو، چمشک‌زکلو، سعدلو، آلپوت، بابورت‌لو، بهارلو، اسپرلو را تشکیل می‌داد. آنها حامیان اصلی دولت صفوی بودند و در کنار آنها گروه‌هایی از اقوام کرد نیز وجود داشتند که جزئی از قزلباشان صفوی بوده و در منطقه وان و دیاربکر تا کردستان پراکنده و ساکن بودند (ر.ک.: تاریخ قزلباشان، ۱۳۶۱: سومر، ۱۳۷۱؛ فلور، ۱۳۹۷: ۲۷۰-۲۶۹). لذا نادیده انگاشتن این مهم از سوی صفویان می‌توانست موقعیت آنان را در برابر مخالفان سیاسی بویژه عثمانی‌ها به مخاطره بیندازد.

اصل دیگری را که در اینجا باید افزود موضوع حراست از آذربایجان و ارمنستان و بخش‌های دیگر قفقاز در برابر عثمانی به عنوان بزرگ‌ترین دشمن سیاسی و مذهبی صفویان بوده است. صفویان ناگزیر بودند برای حفظ دستاوردهای معنوی و سیاسی خود در قلمرو ایران از منطقه‌ی وان همچون سد دفاعی در برابر هجوم عثمانی‌ها استفاده کنند. آنان برای تحقق آن هدف و در شرایط بحرانی برای مقابله با عثمانی تمامی راه‌ها و مزارع میان آذربایجان تا وان را به تلی از خاک تبدیل می‌ساختند تا ترکان عثمانی و حتی افراد سرکش نتوانند به آسانی به آذربایجان راه یابند. اجرای این سیاست تقریباً در همه دوران صفوی مهم‌ترین راهکار سیاسی-نظامی شناخته می‌شد (ر.ک.: شیرازی، ۱۳۶۹: ۸۳-۸۲؛ ۲۰۱؛ منشی قمی، ۱۳۸۳: ۳۲۹/۱؛ صفوی، ۱۳۶۳: ۵۶).

عثمانی و منطقه‌ی وان: سیاست و اهداف

عثمانی‌ها اگرچه با هدف جهاد علیه کفار مسیحی در سایه‌ی دفاع از اسلام و انتشار آن، بنیادهای امپراتوری خود را در غرب تأسیس نمودند، اما این نوع نظام قدرت بدون توجه به توسعه‌ی سیاسی در آسیای صغیر که با ساکنان آن پیوندهای نژادی داشتند و نیز سایر ممالک اسلامی در شرق نمی‌توانست اعتبار و اقتدار لازم را بدست آورد. از این رو، سیاست توجه به شرق در همه ابعاد سیاسی، نظامی و اقتصادی آن پس از فتح قسطنطنیه (۸۵۶ ق) در نزد آنها به یک هدف جدی تری تبدیل شد و از زمان سلطان محمد دوم (دوره اول: ۸۵۰-۸۴۷ ق؛ دوره دوم: ۸۸۶-۸۵۵ ق) به بعد با وجود تنش‌های متعدد نظامی با دول مسیحی در غرب تلاش‌های گسترده‌ای آغاز شد که با فراز و نشیب، سالیان متوالی ادامه یافت. به همین منظور آنها در ابتدا امیرنشینان ترک در غرب و جنوب غربی آناتولی را سرکوب کردند، سپس این سیاست به سمت حوزه مرکزی آن کشیده شد و سرانجام پس از شکست ترکان ذوالقدر در مرکز و بخش‌های علیایی رود فرات به شرق آناتولی رسیده و با ترکمانان آق‌قویونلو که تا نواحی مرکزی ایران تسلط داشتند مجاور شدند. پیروزی عثمانی‌ها مقابل اوزون حسن و انعقاد صلح در سال ۸۷۸ ق ادامه این مرحله از پیشرفت عثمانی را متوقف ساخت و بخش‌های علیایی رود فرات و حوزه وان حد فاصل دو حکومت شناخته شد و این وضعیت تا تشکیل دولت صفویه در ایران حفظ گردید (شاو، ۱۳۷۰: ۱۲۶/۱-۱۲۴؛ بهرام‌نژاد، ۱۳۸۴: ۱۳۴-۱۳۳). این رویداد به گسترش آگاهی و درک دقیق عثمانی‌ها از اهمیت جغرافیایی منطقه وان به‌عنوان پایگاهی مهم برای پیشروی در سمت ایران و قفقاز کمک زیادی نمود. موضوعی که در تصمیمات سیاسی سلاطین بعدی عثمانی بیشتر خودنمایی کرد.

انگیزه توسعه‌ی سیاسی عثمانی‌ها در منطقه وان با تشکیل دولت صفوی در ایران وارد مرحله تازه‌تری شد. صفویان چنانکه پیش از این گفته شد به لحاظ فکری و سیاسی میان ترکان آناتولی نفوذ نسبتاً گسترده‌ای داشتند و بر همین اساس در سال‌های آغازین آن حکومت، آناتولی شاهد شورش‌هایی همانند شاهقلی بابا تکه‌ییلی بود که با حمایت از دولت صفوی به ستیز با اقتدار سیاسی عثمانی‌ها پرداخت (روملو، ۱۳۸۴: ۱۰۶۰/۲-۱۰۵۹). عثمانی‌ها پس از شکست آن شورش در سال ۹۱۶ ق به‌وضوح دریافتند که در صورت نادیده انگاشتن حکومت شیعی صفوی حاکمیت سیاسی خود را بر بخش وسیعی از سرزمین آناتولی از دست خواهند داد. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که آنان برای مقابله و شکست صفویان سه اصل مهم را اساس سیاست امپراتوری خود قرار دادند: ایجاد و استقرار یک پایگاه نظامی دائمی در شرق آناتولی؛ جلوگیری از مهاجرت اقوام ترک به ایران و پیوستن آنها به قزلباشان؛ حمایت از افراد که به لحاظ سیاسی-مذهبی با صفویان و قزلباشان در ستیز بوده و گاه تمایل بیشتری به عثمانی‌ها داشتند.

این اهداف بعد از پیروزی در جنگ چالدران (۹۲۰ ق) برای عثمانی‌ها بتدریج محقق شد. آنان پس از تصرف منطقه وان، آن را

به یک مرکز بیگلربیگی تبدیل ساختند و هرچند که طی سال‌های بعد، آن ناحیه چندین بار میان صفویه و عثمانی دست‌به‌دست شد، اما سرانجام مطابق توافق ذهاب، وان از جغرافیای تاریخی-سیاسی ایران جدا گشت و به عثمانی تعلق گرفت. آنان در جهت استحکام قلعه و توسعه شهر وان تلاش‌های گسترده‌ای را آغاز کردند. قلعه بارها تعمیر شد و در قسمت‌های مختلف آن دروازه‌ها و برج‌های جدیدی احداث کرده و همواره سه هزار سرباز متشکل از ینی چریها و سربازان محلی در آن حضور دائمی داشتند. آنان برای تحکیم ساختار حکومتی خود بیگلربیگی وان را که تا معاهده ذهاب تنها به سیزده سنجاقت تقسیم می‌شد، بعد از آن تا سقوط صفوی به سی و چهار سنجاقت افزایش دادند. همچنین عثمانی‌ها بواسطه وجود معادن آهن در نواحی وان به استخراج آن روی آورده و با تأسیس کارخانه توپ‌ریزی، تفنگ و باروت‌سازی صنعت نظامی را در آن منطقه گسترش بخشیده تا از آن تجهیزات در دفاع و تهاجمات نظامی خود در شامات، عراق، ایران و قفقاز استفاده کنند (Kiliç, 2012: 42/507-509).

اکراد نیز که بواسطه پیوستگی جغرافیایی منطقه وان با شمال کردستان در کنار آرامنه و ترکان بیشترین جمعیت را تشکیل می‌دادند و تا حدود آذربایجان و عراق عرب پراکنده بوده (چلبی، ۱۳۶۴: ۳۵؛ فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۲۶۶) و قلمرو آنها به سی‌ودو ولایت و امارت تقسیم می‌شد (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۱/صفحات متعدد) عثمانی‌ها را ترغیب می‌کرد تا با سیاست حمایت از خوانین محلی کرد و یا با تهدید و لشکرکشی به قلمرو آنان از نیرومندی‌شان در جهت بازدارندگی شورش و حملات قزلباشان به قلمرو عثمانی و نیز در کنار سپاه ینی چری و ترکان به‌عنوان یک نیروی کمکی مؤثر در جنگ‌های توسعه‌طلبانه‌ای که در سرتاسر مرزهای شرقی امپراتوری از قفقاز تا عراق عرب گسترانیده بودند بیشترین استفاده را ببرند. آنان در این مسیر با جذب اکراد که با صفویان اختلاف مذهبی داشتند به موفقیت‌های بزرگی دست یافتند. چنانکه معاهدات آماسیه و ذهاب جداسازی دائمی بیش از نیمی از سرزمین‌های کردنشین و الحاق آن به قلمرو عثمانی را کاملاً رسمیت بخشید و عثمانی‌ها نیز برای استحکام موقعیت اکراد در برابر صفوی حقوق سیاسی و خاندانی آنها را به عنوان سنجاقت به رسمیت شناخته و از طرف دیگر با انتقال قبایل کرد به منطقه وان زمینه‌های تغییر اجتماعی آن را در برابر ترکان و آرامنه بوجود آوردند (یاسمی، ۱۳۶۳: ۲۰۳؛ گودرزی، ۱۴۰۰: ۶۵-۶۴). اولیاء چلبی که بعد از معاهده ذهاب در وان حضور داشته گزارش می‌دهد که بیشترین جمعیت منطقه وان را اقوام کرد تشکیل می‌داده‌اند (به نقل از: Kiliç, 2012: 42/508).

موقعیت عثمانی‌ها در اجرای دو سیاست فوق‌زمینه را برای انسداد راه ارتباطی آناتولی با ایران بوجود آورد و عملاً سیاست جلوگیری از مهاجرت ترکان قزلباش به ایران نیز تحقق یافت. ارتباط صفویان بعد از شکست چالدران با ترکان آناتولی شرقی عملاً قطع گردید، اگرچه به تناوب تکاپوهای تازه‌ای در زمان شاه‌طهماسب (۹۸۴-۹۳۰ ق) برای بازگشایی راه آناتولی و حفظ ارتباط با خاستگاه اصلی ترکان قزلباش در طی بیست‌ودو سال از جنگ‌های ایران و عثمانی (۹۶۲-۹۴۰ ق) بویژه در پی عقب‌نشینی عثمانی‌ها از آذربایجان اتفاق افتاد و حتی قزلباشان در همان فاصله بار دیگر وان و ارزنجان را متصرف شدند (Matthee, 2003: 167)، اما این پیروزی‌ها هیچ‌کدام پایدار نماند و صفویان با پذیرش صلح آماسیه به‌ناچار با این واقعیت کنار آمده و از حقوق معنوی خود در آناتولی شرقی دست کشیدند.

منطقه وان برای عثمانی‌ها به‌لحاظ راهبردی اهمیت اقتصادی هم داشت. وان و بسیاری دیگر از شهرهای اطراف دریاچه بویژه نواحی جنوبی آن در مسیر راه‌های تجاری ارمنستان، گرجستان، شیروان، آذربایجان، شامات و عراق عرب قرار داشتند. تردد کاروان‌های تجاری از شرق به غرب از راه آناتولی که به اسلامبول و یا بنادر تجاری سواحل مدیترانه در شامات متصل می‌شد به‌عنوان بخش مهمی از راه قدیم ابریشم، آسان‌تر و نسبتاً با امنیت بیشتری برخوردار بود تا عبور از راه‌های کوهستانی و دره‌های عمیق قفقاز که به شرق دریای سیاه و مسیر شمالی آن‌که به روسیه و اروپای شرقی متصل می‌شد. اگرچه تنش‌های سیاسی و نظامی در آن مناطق

و مهم‌تر کشف و گسترش راه آبی میان اروپا به اقیانوس هند و خلیج فارس تجارت در راه‌های باستانی مذکور را تحت تأثیر قرار داد، باوجوداین، عثمانی‌ها هیچ‌گاه از سلطه، تأمین امنیت و توسعه راه‌های بازرگانی در جهت رونق اقتصاد امپراتوری و بازگرداندن اهمیت نقش قدیم تجاری قسطنطنیه به اسلامبول جدید میان شرق و غرب غافل نمانده (چارشی‌لی، ۱۳۶۹: ۱۳۰/۲) و برای تحقق این هدف، وان را در کنار کارکرد نظامی‌اش به یک کانون مهم تجاری تبدیل ساختند و تبریز که پیش‌ازاین، نقش یک واسطه و حلقه ارتباط میان تجارت شرق با غرب را داشت به تدریج اهمیتش در برابر وان کم‌رنگ شد و وان دروازه مهم اقتصادی در شرق شناخته شد. چنانکه تاورنیه که در سال ۱۰۷۴ ق/۱۶۶۴ م. در وان حضور داشته از آن شهر به عنوان یک مرکز مهم تجاری نام می‌برد (تاورنیه، ۱۳۶۹: ۲۸۲). در این شهر و در کنار بازارهای قدیمی طی سده‌های دهم و یازدهم هجری چندین کاروانسرا و بیش از هشت بازار جدید تأسیس شد و آرامنه مهم‌ترین تاجران وان شناخته می‌شدند و سه محله از نه محله وان تنها به آن گروه اختصاص داشت (Kiliç, 2012: 42/508). همچنین، راه وان به سمت گرجستان و شیروان و سواحل دریای خزر، دسترسی بازرگانان عثمانی را به مراکز تولید ابریشم آسان‌تر کرد و از طرف دیگر راه نفوذ و تسلط عثمانی‌ها بر مهم‌ترین بنادر تجاری گرجستان همانند، پوتی، سوخومی و کفه در دریای سیاه را گشود (اینالجق، ۱۳۸۸: ۲۳۵). اهتمام عثمانی‌ها برای مرکزیت بخشیدن به وان در آناتولی شرقی ظرفیت‌های تازه‌ای را برای امپراتوری بوجود آورد تا برای تسلط بر راه‌های قدیم تجاری-زمینی به طرح‌های جدیدی بیندیشند. می‌توان گفت که ایده احداث کانال آبی میان دو رود ولگا و دن برای اتصال ماوراءالنهر و قفقاز به راه‌های تجاری آناتولی شرقی را می‌باید از همین زاویه مورد توجه قرار داد (ر.ک.: شاول، ۱۳۷۰: ۳۰۶/۱-۳۰۵؛ گوگچه، ۱۳۷۳). ایده‌ای که البته عثمانی‌ها بواسطه گسترش نفوذ دولت تزاری روس در آن نواحی هیچ‌گاه موفق به انجام آن نشدند.

وان در دوره اول جنگ‌های صفوی و عثمانی (۹۹۸-۹۰۷ ق)

اهداف و سیاست‌هایی که هریک از دول صفوی و عثمانی در آناتولی شرقی و مناطق غربی قفقاز دنبال می‌کردند سبب شد تا مناسبات دو حکومت برای حفظ نفوذ و تسلط خود بر منطقه وان به عنوان یک ناحیه سوق‌الجیشی با چالش‌های بسیاری همراه شود و در فراز و نشیب تاریخی آن، میدان جنگ و گاه گفتگو نقش تعیین‌کننده‌ای در رسیدن هریک به آن اهداف را پیدا کرد. در واقع هرکدام با استفاده از فرصت‌هایی که پیش می‌آمد همانند؛ شورش اقوام و حاکمان ولایات آن منطقه و بحران‌های داخلی در ایران و عثمانی می‌کوشیدند تا حوزه وان را در حیطه قلمرو سیاسی خود قرار دهند. از این‌رو، تاریخ آن دو نظام سیاسی تغییرات نسبتاً زیادی در حضور حاکمیتی هرکدام بر منطقه وان را شاهد بوده است. مطابق آنچه پیش‌ازاین گفته شد پیوستگی جغرافیایی وان با قلمرو سیاسی ایران پس از تشکیل دولت صفوی همچنان حفظ شد. به‌موجب یک افسانه تاریخی نسبت میان صفویان و ناحیه وان حتی به دوران فعالیت‌های مذهبی و سیاسی شیخ‌حیدر بازمی‌گردد. زنو و آنجوللو در این باره نقل می‌کنند که شیخ‌حیدر بعد از شکست در مقابل رستم‌بیگ به وان گریخت تا با پیوستن مریدانش به جنگ با امیر آق‌قویونلو بپردازد. او عاقبت در دربند کشته شد و اسماعیل و دو برادر دیگرش به امر رستم‌بیگ به جزیره‌ای در دریاچه وان تبعید شده و برای مدت سه سال یک کشیش ارمنی از اسماعیل پرستاری می‌کرد و به او تورات و انجیل را آموخت (سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، ۱۳۸۱: ۲۶۲، ۳۲۷-۳۲۵، ۴۳۱). صرف‌نظر از ناراستی این روایت و رد آن به استناد منابع مختلف صفوی نمی‌توان حقیقت پنهان در آن را که مبین نفوذ معنوی طریقت صفوی در منطقه وان و شرق آناتولی است، انکار کرد. به دنبال پیروزی سیاسی شاه اسماعیل بر امیران ترکمان، قزلباشان صفوی در بیشتر

ولایات در آناتولی شرقی تا ارزنجان که هم مرز با عثمانی بود حضور گسترده‌ای داشتند. مطابق شرفنامه در آن زمان زاهدبیک بن عزالدین شیراز کردهای حکاری (شنبو) بر وان حکومت می‌کرد و از سال ۹۰۷ ق به اطاعت از شاه اسماعیل درآمد و شاه‌صفوی با صدور منشوری حکومت موروثی او را بر وان به رسمیت شناخت (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۹۵/۱)؛ اما اختلاف مذهبی صفویان و کردها سبب شد تا شاه اسماعیل سیاست انتصاب امرای قزلباش بر شهرهای منطقه وان و دیاربکر را دنبال کند. او در سال ۹۱۳ ق کردبیک شرفلوی استاجلورا به فرماندهی وان، ارجیش، عادلجواز و بدلیس منصوب کرد (همان، ۴۰۷/۱، ۴۱۴) و نیز از جانب خود نایی را به نام بهرام‌بیک ذوالقدر برای اداره همان نواحی برگزید (همان، ۳۴۵/۱) که اهمیت سیاسی آن را برای شاه‌صفوی نشان می‌دهد. پیش از حملات عثمانی‌ها در سال ۹۲۰ ق به شرق آناتولی مهم‌ترین درگیری‌های نظامی صفویان در آن ناحیه با کردهای دیاربکر بود. شاه اسماعیل در سال ۹۱۳ ق دیاربکر را تصرف کرد و در راستای سیاست کردزدایی خود خان‌محمد استاجلورا به حکومت آن منصوب کرد. آن امیر قزلباش در تهاجمات خود به قراحمید و ماردین بیش از هفت هزار نفر از اکراد را به قتل رسانید (منشی‌قمی، ۱۳۸۳: ۹۱/۱-۹۰). سخت‌گیری صفویان نسبت به قبایل کرد که از وان تا دیاربکر گسترده بود و نیز سلب خوانین آن از حکومت موروثی خود در ولایات مذکور زمینه‌ساز رویگردانی آنان از دولت صفوی و همسوئی با ترکان عثمانی گردید. موضوعی که سلطان سلیم (۹۲۶-۹۱۸ ق) را در حمله به ایران بیشتر تشویق کرد (Posch, 2002: 203-214). او موفق شد پیش از جنگ در چالدران تمام آناتولی شرقی را به تصرف خود درآورد و در عین حال استقلال داخلی حاکم دیاربکر ادریس بدلیسی و سایر خوانین کرد آن نواحی را به رسمیت بشناسد و نیز با حمایت‌های مالی و نظامی خود توانست از آنان سد مستحکمی را در مرزهای عثمانی مقابل صفویان ایجاد کند (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۴۱۶/۱). با وجود این، ناحیه وان از آنجاکه در مسیر حملات عثمانی‌ها قرار نداشت از تغییراتی که در جنوب دریاچه وان و دیاربکر اتفاق افتاد بیرون ماند. از این رو وان همچنان در قلمرو صفوی شناخته می‌شد (چارشی‌لی، ۱۳۶۹: ۲/۳۲۵)، با این حال، منابع صفوی در خصوص چگونگی اداره آن تا مرگ شاه اسماعیل به هیچ مطلبی اشاره نکرده‌اند؛ اما از اشارات بدلیسی چنین استفاده می‌شود که پیش از شروع جنگ‌های ایران و عثمانی در زمان سلطان سلیمان (۹۷۴-۹۲۶ ق) منطقه وان توسط فرزندان و نوادگان زاهدبیک حکاری اداره می‌شده و تابعی از حکومت آذربایجان بوده و از سرحدات صفوی محافظت می‌کرده‌اند (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۱۰۲/۱-۹۵، ۴۱۸).

منطقه وان با شروع جنگ‌های طولانی ایران و عثمانی در عهد شاه‌طهماسب با تنش‌های سیاسی و نظامی بیشتری همراه شد. در واقع سلطان سلیمان پس از معاهده صلح با مجارها در اروپا (۹۴۰ ق) فرصت مناسبی یافت تا برای پایان دادن به قیام‌های ترکمانی در آناتولی که تحت تأثیر عقاید صفوی بودند و نیز توسعه سیاسی در شرق آناتولی حملات تازه‌ای را به سمت ایران آغاز کند. ضمن آنکه او به تصرف قفقاز و عراق عرب نیز می‌اندیشید. اهداف جدیدی که پیش از این در زمان سلطان سلیم هیچ توجهی به آن نشده بود. بر همین اساس تصرف وان و اراضی اطراف دریاچه می‌توانست به او کمک کند تا به اهداف نظامی خود در ارمنستان و گرجستان و آذربایجان آسان‌تر دست یابد. در همان زمان و در سال ۹۳۷ ق اولامه‌تکلو در آذربایجان بواسطه قتل چوهه‌سلطان و قزلباشان تکلو در اصفهان علیه دولت صفوی طغیان کرد و چون از قزلباشان شکست خورد به وان گریخت و در قلعه آن پناه گرفت. هنگامی که سلطان سلیمان از این واقعه مطلع شد بی‌درنگ شرف‌خان بدلیسی حاکم دیاربکر را راهی وان کرد تا پس از اعطای خلعت سلطان، او را با اهل و عیالش راهی اسلامبول کند (روملو، ۱۳۸۴: ۱۲۰۱/۲-۱۲۰۰؛ بدلیسی، ۱۳۷۷: ۴۱۹/۱). اولامه از بدو ورود به اسلامبول سلطان سلیمان و ابراهیم‌پاشا وزیر اعظم عثمانی را به جنگ علیه صفوی تشویق می‌کرد، ضمن آنکه امیرشرف بدلیسی را هم به خیانت علیه دولت عثمانی متهم می‌ساخت و از تمایل او به دولت صفوی سخن به میان می‌آورد (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۱۳۷۷).

۴۲۳/۱-۴۲۲؛ پورگشتال، ۱۳۶۷: ۱۰۶۸/۲). انتشار این خبر سبب شد تا امیرشرف برای حفظ جان خود به صفویان پناه‌آورد و همین دو رویداد آتش جنگ در شرق آناتولی را شعله‌ور ساخت. عثمانی‌ها در سال ۹۴۰ ق در نخستین مرحله از تهاجمات خود به آسانی موفق شدند تا بدون هیچ مقاومتی از سوی قزلباش و یا اکراد، سرزمین‌های بین دیاربکر و وان و ارزروم را به اشغال خود درآوردند و برای جلوگیری از شورش احتمالی اقوام کرد به آنها اجازه دادند تا استقلال خود را حفظ کنند (شاه، ۱۳۷۰: ۱۷۴/۱).

سقوط وان بدست اولامه و قوای عثمانی آذربایجان را بی دفاع ساخت. آنها موفق شدند پس از تصرف تبریز تا سلطانیه پیشروی کنند؛ اما سرمای زمستان همان سال سپاه عثمانی را غافلگیر ساخته و نیروهای بسیاری را در اثر سرما و گرسنگی از دست دادند، چنانکه سلیمان مجبور شد به سمت آناتولی عقب‌نشینی کرده و قلعه وان را پایگاه اصلی سپاه عثمانی قرار داده و فرماندهی آن را به اولامه واگذار کند (شیرازی، ۱۳۶۹: ۷۸). در همان زمان سپاه صفوی در تعاقب آن سپاه بارها تلاش کردند تا قلعه وان را آزاد سازند، اما به هیچ موفقیتی دست نیافتند. شاه‌طهماسب می‌دانست که از دست رفتن وان می‌تواند امنیت سرحدات آذربایجان را به مخاطره بیندازد، لذا خود به همراه بهرام میرزا و چند نفر از امرای قاجار و استاجلو در سال ۹۴۱ ق به اطراف قلعه آمده و در ابتدا زاهدمحمدبیگ کرد حکاری و حاجی بیگ دنبلی را که از عثمانی‌ها حمایت می‌کردند سرکوب کرده و سپس در منطقه کواش سپاه صفوی با دو هزار نیرو در یک جنگ نابرابر موفق شدند اولامه و محمدپاشا را با دوازده هزار نیروی عثمانی شکست داده و او را وادار به عقب‌نشینی از منطقه وان کنند. سلطان عثمانی حتی سنان‌پاشا را به همراه گروهی از سپاهیان به کمک آنان فرستاد؛ اما سنان‌پاشا در جنگ کشته شد و ناچار به ترک قلعه وان شدند (روملو، ۱۳۸۴: ۱۲۲۹/۳). شاه‌طهماسب بعد از این پیروزی حکومت وان و ارجیش و اخلاط و عادلجواز را به شاه‌علی سلطان‌چینی داد و قلعه وان را با توپ و بادلیج و آذوقه تجهیز کرد تا از تعرض ترکان و اکراد در امان بماند (غفاری، ۱۳۴۳: ۲۱۹؛ قزوینی، ۱۳۷۸: ۱۷۴).^۱

وان تا سال ۹۵۶ ق در قلمرو سیاسی دولت صفوی قرار داشت. منابع صفوی از هیچ نوع حادثه‌ای که امنیت وان را از ناحیه ترکان و یا اکراد تهدید کرده باشد سخنی به میان نمی‌آورند. مخالفت القاص میرزا (۹۵۷-۹۲۲ ق) با سلطنت شاه‌طهماسب و پناهندگی اش به دربار عثمانی و تحرکات او در حمله به ایران، در همان سال مرحله دیگری از جنگ‌های ایران و عثمانی را رقم زد و وان بار دیگر با تهدیدات تازه‌ای مواجه شد (روملو، ۱۳۸۴: ۱۳۱۵/۳). وقتی که سلطان عثمانی با سپاهیان به ارزروم آمد ابتدا در صدد تصرف وان برآمد. برای همین منظور اولامه را از راه بارگیری به طرف وان فرستاد تا دژ آن ناحیه را تسخیر کند. حاکم وان شاه‌علی سلطان‌چینی نیز چون توان جنگیدن با سپاه عثمانی را در خود نمی‌دید بدون هیچ مقاومتی وان را تخلیه و به اولامه واگذار کرد. شاه‌طهماسب نیز او را بواسطه این خیانت در خامکاو دستگیر و به قتل رسانید (منشی‌قمی، ۱۳۵۹: ۳۲۴/۱؛ صفوی، ۱۳۶۳: ۴۷؛ پورگشتال، ۱۳۶۷: ۱۱۹۰/۲؛ چارشی‌لی، ۱۳۶۹: ۴۸۳/۲) و بلافاصله پسرش اسماعیل میرزا را به همراه عبدالله‌خان و گوگجه‌سلطان به آن منطقه فرستاد تا ضمن بازپس‌گیری وان مانع از ادامه تهاجمات ترکان به سمت آذربایجان شوند (شیرازی، ۱۳۶۹: ۱۰۰)؛ اما عملاً آنها در تصرف مجدد وان به هیچ موفقیتی دست نیافتند.

اشغال وان مهم‌ترین ثمره دومین تهاجم سلطان سلیمان به ایران در زمان شاه‌طهماسب بود. سلطان سلیمان وان را به یک بیگلربیگی تبدیل کرد و اسکندرپاشا را نیز به حکومت آن منصوب نمود. او با تصرف مناطق کردنشین اطراف دریاچه وان و مطیع

روملو می‌نویسد که شاه‌طهماسب حکومت وان و ارجیش را به احمد سلطان صوفی اوغلی واگذار کرد (همو، ۱۳۸۴: ۱۲۲۹/۳).

ساختن اکراد حکاری و محمودی و تشویق آنان به تحرکات ایذائی در شهرهای مرزی آذربایجان همانند خوی و چخورسعد که غالباً با کشتار و غارت اموال مردم همراه بود دامنه نامنی‌های مرزی را شدیداً گسترش داد (روملو، ۱۳۸۴: ۱۳۳۱/۳). اقدامی که شاه‌طهماسب را وادار ساخت تا خود و اسماعیل میرزا و سایر امرای قزلباش در چند گروه نظامی در سال‌های ۹۶۰-۹۵۹ ق ارزروم، اخلاط، بارگیری، ارجیش، عادلجواز، موش، وسطان، اموک، کواش و خوشاب را مورد تاخت‌وتاز قرار دهند (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۱۹۵/۱؛ روملو، ۱۳۸۴: ۱۳۶۶/۳-۱۳۴۹)؛ اما این تعرضات با وجود کشتار زیاد اکراد و تخریب اراضی آباد نتوانست موقعیت ترکان عثمانی را در منطقه وان متزلزل سازد. جدایی وان از سرحدات صفوی به لحاظ روحی شدیداً شاه‌طهماسب را متأثر ساخت. او در کتابش به صراحت می‌نویسد که سایه وان تمام آذربایجان را در پناه خود داشت و با سقوط آن نیز یک ستون آذربایجان در هم فرو ریخت (صفوی، ۱۳۶۶: ۵۶). او در برابر این رویداد و نیز جدایی بغداد از ایران راهی جز این نداشت که با عثمانی‌ها برای صلح وارد گفتگو شود و سرحدات جدید در قفقاز و شرق آناتولی و عراق عرب را بپذیرد (هوشنگ‌مهدوی، ۱۳۷۵: ۳۳؛ چارشی‌لی، ۱۳۶۹: ۴۱۴/۲). بر اساس معاهده آماسیه (۹۶۲ ق) دولت صفوی حقوق سیاسی و ارضی خود را بر منطقه وان و سرتاسر آناتولی شرقی برای همیشه از دست داد و عثمانی‌ها نیز با این پیروزی موفق شدند بر یکی از پراهمیت‌ترین مناطق جغرافیایی و نزدیک به مرزهای ایران و قفقاز تسلط پیدا کنند. از آن‌پس عثمانی‌ها با تقویت نظامی و اقتصادی و نیروی انسانی وان قطب تازه‌ای را بوجود آوردند که چندان اشغال شهرهای اصلی قفقاز و ایران دور از دسترس نبود. استفاده از آن پایگاه برای جنگ علیه دولت صفوی به دنبال بحران‌های داخلی ایران از سال ۹۸۶ ق آغاز شد. اشغال منطقه بی‌طرف قارص و آبادانی و تبدیل آن به یک پایگاه نظامی دیگر در کنار وان و در نزدیک‌ترین نقطه به مرزهای صفوی سرآغاز این حرکت بود (ابوبکر بن عبدالله، ۱۳۸۷: ۵۰، ۹۱). آنها در زمان شاه محمد خدابنده (۹۹۶-۹۸۵ ق) شیروان، دربند، نخجوان، باکو، شماخی، قراباغ، تفلیس، گنجه، قراجه‌داغ، تبریز، نهاوند تا همدان و بخشی از لرستان را متصرف شدند (افوشته‌ای‌نطنزی، ۱۳۷۳: ۳۴۲-۳۴۱؛ منشی، ۱۳۷۷: ۶۳۹-۶۳۸؛ سلانیکلی، ۱۳۸۹: ۲۹۴-۲۹۵؛ ابوبکر بن عبدالله، ۱۳۸۷: ۱۱۶-۱۰۹؛ فریدون‌بیگ، ۱۲۷۵ ق: ۲۵۲/۲-۲۴۹؛ پورگشتال، ۱۳۶۷: ۱۵۶۷/۲)، تا جایی که شاه‌عباس در مذاکرات صلح اسلامبول در سال ۹۹۸ ق برای تحکیم موقعیت داخلی خود ناچار شد معاهده جدید با عثمانی را بپذیرد و تن به جدایی آن مناطق از قلمرو صفوی بدهد.

وان در دوره دوم جنگ‌های صفوی و عثمانی (۱۰۴۹-۱۰۱۲ ق)

در طول سال‌های سلطنت شاه‌عباس (۱۰۳۸-۹۹۶ ق) و شاه‌صفی (۱۰۵۲-۱۰۳۸ ق) جنگ‌های متعددی میان ایران و عثمانی که از قفقاز تا عراق عرب گسترده بود بوقوع پیوست. اگرچه در تمام آن دوران منطقه وان به میدان اصلی جنگ تبدیل نگشت، اما از حملات پراکنده سپاه صفوی نیز در امان نماند. آن ناحیه در همه آن سال‌ها نقش مهمی در فرماندهی جنگ از سوی عثمانی‌ها و نیز راهبری دیپلماسی در آمدو شد نمایندگان سیاسی دو کشور برای گفتگوهای صلح و یا مراودات دوستانه ایفاء می‌کرد. با این حال شاه‌عباس پس از غلبه بر مشکلات داخلی و تثبیت قدرت و اصلاح ساختار نظامی کشور هیچ‌گاه سیاست بازگشت سرحدات غربی ایران به دوران شاه اسماعیل که تا وان و ارزروم و دیاربکر گسترده بود کتمان نکرد (یزدی، ۱۳۶۶: ۲۷۴) و جنگ علیه عثمانی را مهم‌ترین راهکار مؤثر برای دستیابی به آن هدف مهم می‌پنداشت. او در فاصله سال‌های ۱۰۲۸-۱۰۱۲ ق در طی جنگ‌های متعددی توانست تمامی مناطق اشغالی در قفقاز و ایران را که به موجب معاهده صلح اسلامبول (۹۹۸ ق) از قلمرو صفوی جدا شده بود آزاد کند و عثمانی‌ها را به همان حدود تعیین‌شده در صلح آماسیه بازگرداند (همان، ۲۴۶-۲۴۵، ۲۵۱-۲۴۸، ۲۵۳، ۲۹۴-۲۸۸).

۳۲۵-۳۲۳). در این مدت منطقه وان نیز چندین بار مورد هجوم سپاه صفوی قرار گرفت که علت اصلی آن را تنها می‌توان در تخریب مسیرهای ارتباطی میان وان و قفقاز و آذربایجان و یا جلوگیری از تعرضات اکراد مرزنشین مورد حمایت عثمانی‌ها جستجو کرد و نه تصرف واقعی وان و قلعه آن. نخستین بار از این حملات را الله‌وردی‌خان در زمستان سال ۱۰۱۴ ق به دنبال عقب‌نشینی فرمانده عثمانی سنان‌پاشا (چغال‌اغلی) از ایروان به سمت وان آغاز کرد. او قلعه وان را محاصره و پس از تخریب راه‌ها و اراضی اطراف آن به تبریز بازگشت (منشی، ۱۳۷۷، ۱۱۱۴/۲-۱۱۱۱). دومین بار نیز در سال ۱۰۲۴ ق، و دو سال پس از موافقت با سنورنامچه مرزی میان دو کشور که در سال ۱۰۲۲ ق تنظیم شده بود اتفاق افتاد (همان، ۱۴۲۷/۲-۱۴۲۳). پس از آنکه محمدپاشا به فرمان سلطان احمد مأمور حمله به ایروان شد بعد از دو ماه محاصره ناموفق به وان بازگشت. شاه‌عباس نیز قرچغای‌خان را مأمور کرد تا تمامی اراضی میان ایروان تا ارزروم و وان را ویران کرده و سپس به تبریز بازگشتند (همان، ۱۱۵۲/۲-۱۱۴۶؛ حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۲۱۳-۲۱۲). برای سومین بار نیز گوشمالی اکراد متعرض مرزی و ویرانی همان راه‌ها در سال ۱۰۳۳ ق اتفاق افتاد. شاه‌عباس این بار رستم‌خان گرجی را مأمور انجام این کار کرد. او در عملیاتی که انجام داد بخش اعظم منابع و ذخائر کشاورزی آن نواحی را به میزانی نابود کرد که تا چندین سال بعد آثار ویرانی آن باقی مانده بود (جنابدی، [بی‌تا]: ۲۱۸۴/۱؛ بیجن، برگ ۱۰ الف).

این تحرکات تأثیر بسزایی در بازدارندگی قدرت نظامی عثمانی‌ها و نیز اکراد مرزنشین در شرق آناتولی داشت. به طوری که تا مرگ شاه‌عباس عثمانی‌ها کارآمدی نظامی خود را در وان از دست دادند؛ اما از زمان شاه‌صفی موضوع تاخت‌وتاز کردهای حدود وان به مرزهای آذربایجان هم‌زمان با عملیات نظامی سلطان مراد چهارم در عراق عرب که از سال ۱۰۴۰ ق با انگیزه تصرف بغداد آغاز شد، وارد مرحله جدیدتری گشت (بیجن، برگ ۱۲ ب). حتی این موضوع پس از شکست خسروپاشا در بغداد اهمیت بیشتری پیدا کرد و عثمانی‌ها برای جبران آن با تحریک مرزنشینان کرد از ناحیه وان بار دیگر به تصرف آذربایجان می‌اندیشیدند. از طرف دیگر، محمدپاشا وزیر اعظم عثمانی نیز در سال ۱۰۴۳ ق برای تدارک یک جنگ تمام‌عیار علیه صفوی مرتضی‌پاشا بیگلربیگی دیاربکر را مأمور کرد تا پس از جمع‌آوری نیرو در مرعش، البستان، قرامان و دیاربکر در وان مستقر شود (همان، برگ ۴۰ ب). هنگامی که شاه‌صفی از این موضوع مطلع شد بلافاصله پیش‌دستی کرده و رستم‌خان با جمعی از سپاهیان را مأمور تصرف قلعه وان نمود. او وان را محاصره کرد اما چون با مقاومت اکراد و ترکان روبرو شد و مرتضی‌پاشا نیز به وان نزدیک می‌گشت ناچار به ترک محاصره شده و در ناحیه دیگری دو سپاه مقابل یکدیگر آرایش نظامی گرفتند (اصفهانی، ۱۳۶۸: ۱۶۳، ۱۶۶-۱۶۵). شاه‌صفی با وجود اعزام حاکم ایروان و ارومیه به وان برای تقویت سپاه صفوی در برابر عثمانی و نیز موفقیت‌های اولیه‌ای که در برخی از تحرکات ایذانی علیه سپاه عثمانی بدست آورده بودند، اما کثرت سپاه عثمانی و خستگی سپاه صفوی که به تازگی از جنگ در گرجستان بازگشته بود و نیز اختلافی که میان امرای قزلباش با رستم‌خان در ادامه و نحوه جنگ با مرتضی‌پاشا داشتند سبب گشت تا شاه‌صفی دستور به بازگشت رستم‌خان و سپاهیان تحت امرش به تبریز را بدهد (ابوالمفاخر، ۱۳۸۸: ۱۰۰؛ قزوینی، ۱۳۸۳: ۲۵۷-۲۵۵). در واقع حادثه مذکور آخرین اهتمام صفویان در تصرف قلعه وان در تاریخ آن دوران بشمار می‌رود. با انعقاد معاهده ذهاب (۱۰۴۹ ق) حدود مرزی ایران و عثمانی در شمال غرب دقیقاً مشخص گردید و صفویان برای همیشه از منطقه وان چشم‌پوشی کردند. عثمانی‌ها وان را به یک مرکز مهم فرماندهی در شرق آناتولی تبدیل کردند و موضوع حراست از مرزهای شرقی، میزبانی از نمایندگان سیاسی در رفت‌وآمد به ایران و عثمانی، جمع‌آوری اخبار از مسائل داخلی ایران و قفقاز، تأمین امنیت برای تردد کاروان‌های تجاری و زیارتی، گفتگو با ایران در حل اختلافات مرزی و یا مشکلاتی که از ناحیه مرزنشینان برای طرفین بوقوع می‌پیوست از مهم‌ترین وظایف بیگلربیگی وان شناخته

می‌شد (Kiliç, 2012: 42/507).

نتیجه

بررسی حاضر نشان می‌دهد که موقعیت جغرافیایی وان به عنوان یک شهر مرزی در حدفاصل ایران و عثمانی در غرب نقش پراهمیتی در جهت دادن به شکل مناسبات دو کشور از آغاز تشکیل دولت صفوی داشته است. به گونه‌ای که میزان حوادثی که در قالب جنگ میان طرفین در سده‌های دهم تا دوازدهم هجری روی داده هرگز قابل مقایسه با ادوار گذشته تاریخی در همان منطقه نیست. در حقیقت تنش‌های مذهبی میان آن دو قدرت، منطقه وان را در کانون توجهات سیاسی و نظامی آنان قرار داد و هرکدام با شناخت دقیقی که از موقعیت وان داشتند تلاش کردند تا به هر طریق ممکن بر آن تسلط پیدا کنند. صفویان با تبلیغات مذهبی در شرق آناتولی بر پایه تشیع و عثمانی‌ها نیز در جانب‌داری از مذهب سنت و تشویق ترکان و اکراد در تقابل با مذهب قزلباش مهم‌ترین عواملی بودند که وان را به یک میدان جنگ دائمی تبدیل کرده و سپاه‌ینی چری عثمانی را از غرب به شرق کشانید و ناامنی و جنگ را در سرتاسر مرزهای غربی ایران گسترانید. شواهد تاریخی ارائه شده گواهی می‌دهد که صفویان نه با تکیه بر مذهب و نه قدرت نظامی و نه دیپلماسی، توانایی حفظ و حراست از وان و شهرهای اطراف آن در برابر رقیب نیرومند خود یعنی عثمانی‌ها را نداشتند و به همین جهت در نهایت مجبور شدند تا بر پایه یک توافق رسمی تن به قبول شکست و جدایی دائمی وان از قلمرو تاریخی ایران بدهند.

منابع

- ابوبکر بن عبدالله (۱۳۸۷)، تاریخ عثمان پاشا (شرح یورش عثمانی به قفقاز و آذربایجان و تصرف تبریز ۹۱۶-۹۹۳ قمری)، به-کوشش یونس زیرک، ترجمه نصراله صالحی، تهران: طهوری.
- اصطخری، ابوسعحاق ابراهیم بن محمد الفارسی (۲۰۰۶)، المسالک والممالک، لیدن: دارصادر.
- اصفهانی، محمد معصوم بن خواجگی (۱۳۶۸)، خلاصه السیر، به اهتمام ایرج افشار، تهران: علمی.
- افوشته‌ای نطنزی، محمود بن هدایت‌الله (۱۳۷۳)، نقاوه‌الآثار فی ذکر الاخیار، تصحیح احسان اشراقی، تهران: علمی و فرهنگی.
- امینی هروی، امیرصدرالدین ابراهیم (۱۳۸۳)، فتوحات شاهی (تاریخ صفوی از آغاز تا سال ۹۲۰ ق)، تصحیح محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- اینالجباق، خلیل (۱۳۸۸)، امپراطوری عثمانی عصر مقدم ۱۶۰۰-۱۳۰۰، ترجمه کیومرث قرقلو، تهران: بصیرت.
- بدلیسی، شرف‌خان بن شمس‌الدین (۱۳۷۷)، شرفنامه: تاریخ مفصل کردستان، به اهتمام ولادیمیر ولیامینوف زرنوف، ۲ ج، تهران: اساطیر.
- بلاذری، ابوالحسن احمد بن یحیی (۱۳۳۷)، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، تهران: نشر نقره.
- بنداری، فتح‌علی (۱۳۵۶)، تاریخ سلسله سلجوقی، ترجمه محمدحسین جلیلی کرمانشاهی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- بهرام‌نژاد، محسن (۱۳۸۴)، سرگذشت قراقویونلو و آق‌قویونلو، تهران: اهل قلم.
- بیجن تاریخ صفوی خوان، تاریخ رستم‌خان سپهسالار گرجی، نسخه میکروفیلم، مرکز اسناد و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ۳۹۲۷.
- بیرجندی، عبدالعلی، ابعاد و اجرام، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، نسخه خطی، شماره ۸۴۲۴.
- پاسدرماجیان، هراند (۱۳۶۶)، تاریخ ارمنستان، ترجمه محمدقاضی، تهران: نشر تاریخ.

- پورگشتال، هامر (۱۳۶۷)، *تاریخ امپراطوری عثمانی*، ترجمه میرزاکی علی‌آبادی، به‌اهتمام جمشید کیانفر، ج ۲، تهران: زرین.
- پیرنیا، حسن (۱۳۷۴)، *تاریخ ایران باستان*، ج ۴، تهران: دنیای کتاب.
- *تاریخ قزلباشان* (۱۳۶۱)، به‌اهتمام میرهاشم محدث، تهران: بهنام.
- تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۶۹)، *سفرنامه*، ترجمه ابوتراب نوری، اصفهان: سنائی و تأیید.
- تفرشی، ابوالمفاخر بن فضل‌الله حسینی سوانح‌نگار (۱۳۸۸)، *تاریخ شاه‌صفی (تاریخ تحولات ایران در سالهای ۱۰۳۸-۱۰۵۲ هـ ق)*، ضمیمه کتاب، *مبادی تاریخ زمان نواب رضوان مکان (شاه‌صفی) (تاریخ تحولات ایران در سالهای ۱۰۳۸-۱۰۴۱ هـ ق)*، محسن بهرام‌نژاد، تهران: میراث مکتوب.
- جنابدی، میرزابیگ بن حسن (بی‌تا)، *روضه‌الصفویه*، ج ۳، بی‌جا: بی‌نا.
- چارشی‌لی، اوزون‌اسماعیل حقی (۱۳۶۹)، *تاریخ عثمانی*، ترجمه ایرج نوبخت، ج ۲، تهران: کیهان.
- حسینی استرآبادی، سیدحسین بن مرتضی (۱۳۶۶)، *از شیخ‌صفی تا شاه‌صفی*، به‌کوشش احسان اشراقی، تهران: علمی.
- حموی‌بغدادی، یاقوت بن عبدالله (۱۳۸۳)، *معجم‌البلدان*، ترجمه علینقی منزوی، ج ۱، تهران: انتشارات میراث فرهنگی.
- راوندی، محمدبن علی (۱۳۶۴)، *راحه‌الصدور و آیه‌السرور*، تصحیح محمد اقبال، تهران: امیرکبیر.
- رضا، عنایت‌الله (۱۳۷۷)، «ارمنستان»، *دایره‌المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۷، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- روملو، حسن‌بیگ (۱۳۸۴)، *احسن‌التواریخ*، تصحیح عبدالحسین نوایی، ج ۳، تهران: اساطیر.
- *سفرنامه‌های ونیزیان در ایران* (۱۳۸۱)، ترجمه منوچهر امیری، تهران: خوارزمی.
- سلانیکی، مصطفی (۱۳۸۹)، *تاریخ سلانیکی (۱۰۰۸-۹۷۱ ق)*، ترجمه از ترکی عثمانی حسن‌بن‌علی؛ تصحیح، ترجمه، مقدمه، توضیحات و پیوست‌ها نصرالله صالحی، تهران: طهوری.
- سومر، فاروق (۱۳۷۱)، *نقش ترکان آناتولی در تشکیل و توسعه دولت صفوی*، ترجمه احسان اشراقی و محمدتقی امامی‌خوئی، تهران: نشر گستره.
- شاردن، ژان (۱۳۷۲)، *سفرنامه*، ترجمه اقبال یغمایی، ج ۵، تهران: تونس.
- شاو، استانفورد جی (۱۳۷۰)، *تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید*، ترجمه محمود رمضان‌زاده، ج ۲، مشهد: آستان قدس رضوی.
- شیرازی، عبدی‌بیگ (۱۳۶۹)، *تکمله‌الخبار*، تصحیح عبدالحسن نوایی، تهران: نشر نی.
- صفوی، شاه‌طهماسب (۱۳۶۳)، *تذکره شاه‌طهماسب*، با مقدمه امراله صفوی، تهران: شرق.
- ظهیری‌نیشابوری، ظهیرالدین (۱۳۳۲)، *سلجوقنامه*، تهران: کلاله خاور.
- *عالم‌آرای صفوی* (۱۳۶۳)، به‌کوشش یدالله شکری، تهران: نشر اطلاعات.
- غفاری‌قزوینی، احمد (۱۳۴۳)، *تاریخ جهان‌آرا*، تهران: حافظ.
- فریدون‌بیگ (۱۲۷۵ ق)، *منشآت السلاطین*، استانبول: مطبعة عامره.
- فلور، ویلم (۱۳۹۷)، *دیوانسالاری عصر صفوی*، ترجمه حسن زندیه، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- قزوینی، بوداق‌منشی (۱۳۷۸)، *جواهرالخبار*، تصحیح محسن بهرام‌نژاد، تهران: میراث مکتوب.

- قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود (۱۳۷۳)، *آثار البلاد و اخبار العباد*، تهران: امیرکبیر.
- قزوینی، میرزا محمد طاهر وحید (۱۳۸۳)، *تاریخ جهان‌آرای عباسی*، تصحیح سید سعید میر محمد صادق، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- گودرزی، بهروز (۱۴۰۰)، *مرزهای غربی ایران صفوی*، تهران: نگارستان اندیشه.
- گوگچه، جمال (۱۳۷۳)، *قفقاز و سیاست امپراتوری عثمانی*، ترجمه وهاب ولی، تهران: وزارت امور خارجه.
- لسترنج، جی (۱۳۶۴)، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- مستوفی باقعی، محمد مفید بن محمود (۱۳۹۰)، *مختصر مفید*، به کوشش ایرج افشار، با همکاری محمدرضا ابوتی مهریزی، تهران: انتشارات دکتر محمود افشار یزدی.
- مستوفی قزوینی، حمدالله (۱۳۸۱)، *نزه القلوب*، به تصحیح سید محمد دبیرسیاقی، قزوین: حدیث امروز.
- منشی، اسکندربیک (۱۳۷۷)، *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، ۳ ج، تهران: دنیای کتاب.
- منشی قمی، احمد بن حسین (۱۳۸۳)، *خلاصه التواریخ*، تصحیح احسان اشراقی، ۲ ج، تهران: دانشگاه تهران.
- نسوی، محمد (۱۳۴۴)، *سیرت جلال‌الدین مینکبرنی*، به کوشش مجتبی مینوی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۷۵)، *تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی*، تهران: امیرکبیر.
- هینتس، والتر (۱۳۶۲)، *تشکیل دولت ملی در ایران*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی.
- یاسمی، رشید (۱۳۶۳)، *کرد و پیوستگی نژادی و تاریخی او*، تهران: امیرکبیر.
- یزدی، ملا جلال‌الدین منجم (۱۳۶۶)، *تاریخ عباسی یا روزنامه ملا جلال*، به کوشش سیف‌الله وحیدنیا، تهران: وحید.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۲۵۳۶)، *البلدان*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- Kiliç, Orhan (2012), "Van", *Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi (TDVIA)*, Vol. 42.
- Matthee, Rudi (2003), "The Safavid – Ottoman Frontier: Iraq – i Arab as Seen by the Safavid", In: *Ottoman Borderlands*, By Kemal H. Karpat and Robert W. Zens, Published by Center of Turkish Studies the University of Wisconsin.
- Posch, Walter (2002), "What is a Frontier? Mapping between Ottomans and Safavids", In: *Irano – Turkic Cultural Contacts in the 11th – 17th Centuries*, Eva M. Jeremias, The Avicenna Institute of Middle Eastern Studies, Pilschaba.